

به نام خدا

خط لوله گاز جدید چین در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر موقعیت بازیگران منطقه‌ای

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۲
۱. اهمیت آسیای مرکزی از منظر منافع چین	۴
۲. راهبرد انرژی ترکمنستان و قزاقستان در رابطه با چین و ایران	۶
۳. تأثیر توافقات چین، ترکمنستان و قزاقستان بر موقعیت بازیگران منطقه‌ای	۱۰
نتیجه‌گیری	۱۷
منابع و مأخذ	۱۹

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۲۲۹

خردادماه ۱۳۸۹

دفتر: مطالعات سیاسی



خط لوله گاز جدید چین در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر موقعیت بازیگران منطقه‌ای

چکیده

کشورهای حاشیه دریای خزر طی سال‌ها و ماه‌های اخیر تلاش برای یافتن بازارهای جدید به‌منظور عرضه منابع انرژی خود را بیش‌ازپیش افزایش داده‌اند. در همین راستا، «دوستی» آنها با روسیه در حوزه انرژی به‌تدریج جای خود را به همکاری با غرب و چین داده است. در همین حال طی ماه‌های اخیر پویایی کشورهای منطقه خزر در زمینه صدور منابع گاز به بازارهای خارجی چشمگیر بوده و روسیه را با معادله جدیدی مواجه کرده است به‌گونه‌ای که مسکو یا باید با تقید به نظام بازار آزاد، ورود رقبای جدید در حوزه انرژی (هرچند در سطح محدود) را بپذیرد و یا با تأکید بر راهبرد ابرقدرت انرژی خود، محکوم به رویکردهای انحصارگرایانه در این زمینه شود. در این میان، ترکمنستان در زمینه متنوع کردن مسیرهای صادراتی خود از همه فعال‌تر بوده است.

این کشور تا چندی پیش، به‌رغم دارا بودن ذخایر قابل توجه نفت و گاز، به واسطه عدم دسترسی به بازارهای اروپا، مجبور بود بخش اعظم این مواد را از طریق روسیه صادر کند. با این وجود، ترکمنستان هم‌زمان مسیرهای صادراتی به ایران و چین را نیز مورد بررسی قرار می‌داد. در این شرایط، در اواسط ماه دسامبر سال ۲۰۰۹ خط لوله



انتقال گاز از ترکمنستان به چین به بهره‌برداری رسید که این مسئله می‌تواند نفوذ منطقه‌ای عشق‌آباد را افزایش دهد. ازسوی دیگر، این کشور صدور گاز به ایران را نیز افزایش داده و در این زمینه برنامه‌های بلندمدتی را در دستور کار خود قرار داده است. علاوه‌بر ترکمنستان، سایر کشورهای ساحلی خزر ازجمله قزاقستان نیز با تأکید بر ضرورت بازبینی در سیاست انرژی خود، تدابیری را در این زمینه مورد توجه قرار داده‌اند. چنانچه قزاقستان بدون اینکه همکاری خود با روسیه را کاهش دهد، همکاری در حوزه انرژی با چین و آذربایجان را تا حد قابل ملاحظه‌ای توسعه داده است. در این شرایط، همکاری‌های چین با ترکمنستان و قزاقستان در بخش انرژی از اهمیت بسیاری برای منطقه آسیای مرکزی برخوردار شده و بر موقعیت و مناسبات بازیگران منطقه‌ای به‌ویژه در روابط آنان با روسیه تأثیر گذاشته است.

مقدمه

به‌رغم رکود در اقتصاد جهانی و پیش‌بینی مراکز تخصصی درخصوص استمرار این وضعیت حداقل تا سه سال آینده، چین همچنان به روند پرشتاب رشد اقتصادی خود ادامه می‌دهد و در برنامه‌های بلندمدت توسعه اقتصادی خود تجدیدنظری نکرده است. از آنجا که این کشور نسبت به سایر قدرت‌های اقتصادی خسارات کمتری را از بحران اقتصادی جهانی متحمل شده است، لذا به این بحران به‌عنوان فرصتی برای غلبه بر رقبای خود در حوزه‌های مختلف اقتصادی در نقاط مختلف دنیا می‌نگرد. بر همین اساس، چین توسعه نفوذ اقتصادی خود در حوزه‌های پیرامونی به‌ویژه آسیای مرکزی را در دستور کار قرار داده است. زیرا یکی از اجزای اصلی استمرار چرخه



اقتصاد این کشور دسترسی به مواد خام و به‌ویژه حامل‌های انرژی است که به‌واسطه کمبود این منابع در داخل، این کشور مجبور به واردات این منابع از خارج است. همچنین افزایش مصرف و تقاضای انرژی در جهان به‌واسطه رشد فزاینده اقتصاد جهانی (قطع نظر از رکود مقطعی کنونی اقتصاد جهانی)، نگرانی درخصوص کاهش ذخایر سوخت‌های فسیلی، موضوع امنیت انرژی را افزایش داده است. بنابراین از یک‌سو چین با قراردادهای نفتی و گازی در سال‌های اخیر به آرامی دورنمای ژئوپلیتیک آسیای میانه را تغییر داده و انحصار روسیه را بر صادرات منابع انرژی این منطقه شکسته است و ازسوی دیگر، با توجه به موضوعیت یافتن بحث امنیت انرژی، پکن برای تضمین دسترسی مستمر خود به منابع انرژی تدابیری را ازجمله متنوع کردن منابع واردات خود در دستور کار قرار داده است چنانچه در این زمینه می‌توان به تمرکز بیشتر چین بر واردات نفت و گاز از کشورهای آسیای مرکزی (به‌غیر از خاورمیانه) به‌ویژه ترکمنستان و قزاقستان اشاره کرد. در این شرایط، از اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی، مقامات چینی تلاش‌های جدیدی را در این خصوص مدنظر قرار داده‌اند.

در این زمینه تدابیر چین شامل افزایش مبادلات تجاری، سرمایه‌گذاری در منابع و تأسیسات انرژی به‌خصوص نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان، اعطای وام با شرایط مناسب و تمایل به اجرای پروژه‌هایی که غرب آنها را دشوار یا پرهزینه می‌داند، می‌شود. این درحالی است که چین از طریق شکستن وضعیت شبه انحصاری روسیه وارد بخش انرژی ترکمنستان و قزاقستان شده و روسیه برداشت خوبی از این تحولات ندارد. این وضعیت، نتیجه یک پویایی اقتصادی و تجاری در چین و



همچنین مهارت‌های دیپلماتیک این کشور در تعامل با نظام‌های غیردمکراتیک است. براین اساس، پکن در سال جاری سرمایه‌گذاری سنگینی در آسیای مرکزی انجام داده است که نتیجه آن دستیابی به اولین خط لوله بین‌المللی گاز از آسیای مرکزی است که میزان آسیب‌پذیری این کشور از خطرات انتقال ذخایر انرژی از راه دریا را کاهش می‌دهد. بنابراین، با توجه به اینکه چین انگیزه‌های گوناگونی در آسیای مرکزی دارد، سیاست متبکرانه‌ای برای تعامل در منطقه اتخاذ کرده است.

۱. اهمیت آسیای مرکزی از منظر منافع چین

کشورهای آسیای مرکزی قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان بیش از سه هزار کیلومتر با چین مرز مشترک دارند. این همسایگی سبب شده که چین به بازارهای منطقه آسیای مرکزی دسترسی داشته باشد و از بحران اقتصادی در جهان برای تقویت حضور و نفوذ خود در کشورهای آسیای میانه استفاده کند. درحال حاضر بیش از ۵۵ درصد از نفت خام مورد نیاز چین از خارج تأمین می‌شود و بنا به پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۲۰ نیاز چین به نفت خارج تا ۶۵ درصد افزایش پیدا می‌کند. کشورهای آسیای مرکزی بدون شک در سال‌های آتی یکی از منابع اصلی تأمین انرژی چین خواهند بود. سرایت بحران جهانی به کشورهای آسیای مرکزی، شانس چین برای نفوذ بیشتر در اقتصاد این کشورها به‌ویژه در عرصه انرژی افزایش داده است.

این اتفاق زمانی به وقوع پیوست که چین یک خط لوله گاز را که از ترکمنستان به منطقه شین جیانگ در غرب چین می‌رسد و از قزاقستان و ازبکستان عبور می‌کند را



افتتاح کرد. این پروژه بخشی از راهبرد کلان چین در زمینه افزایش سرمایه‌گذاری‌های بخش انرژی در آسیای مرکزی جهت دسترسی به منابع این منطقه است.^۱

همچنین علاقه اصلی چین دستیابی به منابع انرژی همسایگانش است. چین در این منطقه از یکسری مزیت‌ها نسبت به روسیه به عنوان بزرگترین بازیگر منطقه‌ای و نیز نسبت به بازیگران فرامنطقه‌ای یعنی ایالات متحده و اتحادیه اروپا برخوردار است. به عنوان مثال دولت‌های آسیای مرکزی همسایگی با چین را به عنوان یک ظرفیت بالقوه برای صادراتشان در نظر می‌گیرند و از طرفی هرگز دیده نشده که پکن از نظر مالی ضعیف باشد. ضمن اینکه پکن هرگز از سیاست‌های داخلی کشورهای آسیای مرکزی انتقاد نکرده است و این موضوع می‌تواند عامل مهمی در بهبود روابط چین با این کشورها تلقی شود امری که در مورد کشورهای اروپایی نمی‌توان آن را بیان کرد.

علاوه بر این، شرکت‌های چینی در ساخت خطوط لوله، جاده‌ها و راه‌آهن مورد نیاز برای حمل منابع انرژی به سوی چین نیز بسیار فعال بوده‌اند. کمپانی‌های چینی که در جهان از شهرت خوبی در اتمام به موقع پروژه‌ها برخوردار هستند، به کارگران محلی کشورهای آسیای مرکزی نیز همانند کارگران چینی آموزش می‌دهند و آنها را استخدام می‌کنند. این سیاست‌های چین در منطقه تأثیرات مثبتی داشته و تمایل کشورهای منطقه را به همکاری با چین برانگیخته است. به این ترتیب چین در آستانه دستیابی به نفت و گاز منطقه و در کنار آن اورانیوم و سایر منابع طبیعی آن است. در دهه ۱۹۹۰ کمپانی‌های چینی تقریباً نوعی امتیاز انحصاری برای صادرات منابع انرژی

1. Bruce Pannier. "China, EU Wait In The Wings For Access To Central Asia" RFERL, August 02, 2009, http://www.rferl.org/content/China_EU_Wait_In_The_Wings_For_Access_To_Central_Asia/1790745.html.



آسیای مرکزی داشتند، اما با فعالیت‌های امروز چین در منطقه به نظر می‌رسد که این امر بیشتر برای هموار کردن زمینه بازی برای چین در این منطقه انجام شده است. از جمله فعالیت‌های چین در عرصه انتقال انرژی از آسیای مرکزی نیز می‌توان از همکاری چین در ساخت یک خط لوله از غرب قزاقستان نام برد که به بهره‌برداری رسیده است و نیز یک خط لوله گاز از ترکمنستان که انتظار می‌رود تا پایان امسال وارد شبکه خطوط لوله منطقه شود.^۱

۲. راهبرد انرژی ترکمنستان و قزاقستان در رابطه با چین و ایران

راه اندازی خط لوله گاز ترکمنستان به چین با حضور سران کشورهای ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و چین در منطقه "سامان‌تپه" در ۸۰ کیلومتری شهر ترکمن‌آباد مرکز استان لباب در شرق ترکمنستان، باعث شد که در نقشه خطوط لوله گاز جهانی تغییراتی صورت گیرد و کشورهای قدرتمند دنیا در زمینه سیاست‌های انرژی خود در منطقه آسیای مرکزی تجدیدنظر کنند.^۲ این خط لوله در درازمدت باعث ثبات و افزایش درآمد خزانه دولت ترکمنستان خواهد شد که به نوبه خود سبب توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت زندگی مردم ترکمنستان می‌شود. کارشناسان عقیده دارند کشورهای آسیای مرکزی با راه اندازی خط لوله گاز ترکمنستان به چین به دام سلطه و نفوذ چین در منطقه افتاده و از سوی دیگر از انرژی انحصاری روسیه در آسیای

۱. اتمام ساخت خط لوله صادرات گاز ترکمنستان به چین تا پایان سال ۲۰۰۹، سایت اطلاع‌رسانی ایراس، دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۸۸، http://www.iras.ir/Default_view.asp?@=6585T&

2. Michael Lelyveld. China Taps Central Asian Gas. http://www.rfa.org/english/energy_watch/central-asian-gas-11302009120032.



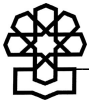
مرکزی نجات پیدا کرده‌اند.

از طرفی منطقه آسیای مرکزی و بازار منطقه‌ای انرژی هیدروکربنی در ماه‌های اخیر شاهد تلاش‌های ترکمنستان در راه افزایش جایگاه خود در بازار انرژی گازی بوده است. این تلاش‌ها بی‌شک جدا از تأثیرات داخلی بر کشور فوق‌الذکر بر منطقه و کشور ما نیز تأثیر دارد.

باتوجه به تحولات یک ماه اخیر صنعت انرژی هیدروکربنی منطقه آسیای میانه، ترکمنستان تلاش کرده است در مرحله اول با احداث خط لوله گازی ۷ هزار کیلومتری خود به چین و در مرحله دوم با گشایش دومین خط لوله گاز خود به ایران، تعداد مشتریان گاز خود را افزایش دهد. ترکمنستان کشوری است محاصره شده در خشکی و به دریاها و آزاد راهی ندارد و (تنها به دریای خزر که آن هم دریاچه بسته‌ای است راه دارد) یکی از مشکلات مهم ترکمنستان که دارای ذخایر قابل توجهی هم هست تاکنون این بوده است که گاز خود را به کجا صادر کند. مسئله مهم دیگر در این کشور حجم ذخایر گازی این کشور است البته مقامات ترکمنستان اعتقاد دارند که ذخایر اعلام شده توسط مراجع مربوط به صنعت انرژی نادرست است و ذخایر این کشور حدود ۱۵ تا ۱۶ میلیارد مترمکعب است.^۱

این درحالی است که نشریه «بریتیش پترولیوم» ذخایر ترکمنستان را ۷/۸ میلیارد مترمکعب می‌داند. در این میان رزروها (ذخایر نفت و گاز) نسبت به هزینه تولید و صرفه اقتصادی آن برای استخراج اهمیت دارد. حال که ترکمنستان با این ذخایر بالا قصد یافتن بازارهای جدیدی را دارد، می‌تواند از شمال به روسیه (که تا حالا هم به

1. ANDREW E. KRAMER. New Gas Pipeline From Central Asia Feeds China, <http://www.nytimes.com/2009/12/15/world/asia/15pipeline.html>



روسیه گاز صادر کرده و بیشتر گاز این کشور را روس‌ها می‌خریدند) از جنوب به ایران، از غرب هم خط لوله انتقال گاز به دریای خزر و آذربایجان و از آنجا به خط لوله نابوکو یا از شرق خود به طرف چین گاز صادر کند.^۱ ترکمنستان هر چهار گزینه را انتخاب کرده و فقط در مورد گزینه غرب که از دریای خزر می‌گذرد در حال حاضر با مشکل عمده برخورد کرده است. مخالفت ایران و روسیه با طرح عبور خط لوله از دریای خزر توسط ترکمنستان باعث شده این طرح تاکنون موفق نباشد.^۲ همچنین از جهت شمال نیز مذاکرات ترکمنستان با روسیه امری طبیعی است. چرا که همیشه در ادوار قبل عشق‌آباد شریک تجاری روسیه بوده است و لوله‌های این انتقال گاز هم وجود دارد و همچنان انتقال گاز ادامه دارد و هراز گاهی در مورد قیمتگذاری و حجم خرید روسیه گفت‌وگوهای بین دو کشور دنبال و بالاخره منجر به امضای قراردادهایی می‌شود. علاوه بر آن ترکمنستان قرارداد جدیدی با چین منعقد نموده که انتقال گاز از ترکمنستان به چین را میسر کرده است. چین کشور بزرگی است که گاز زیادی نیاز دارد این راهی بوده که ترکمنستان توانسته از صادرات منحصر به روسیه نجات پیدا کند. از طرف جنوب با ایران نیز قراردادهای مشابهی داشته است و این به نفع ایران نیز هست که به جای اینکه گاز خود را از راه شاه لوله‌ها با پمپاژ قوی از جنوب ایران به شمال ببرد این گاز را با قیمت‌های کمتر از ترکمنستان بخرد و بعد گاز خود را در داخل مصرف یا صادر کند. ترکمنستان علاقه دارد در خط لوله نفت و گاز انتقال گاز به اروپا یعنی نابوکو سهمی داشته باشد این سهم خود را باید از لحاظ تئوریک یا از راه روسیه عبور داد یا از راه ایران (راه دریای خزر مشکلات فراوان

1. BP Statistical Review of World Energy, 2008

۲. به علت نامعلوم بودن رژیم حقوقی و سایر مسائل، این گزینه و خط لوله تاکنون موفق نبوده است.



دارد) راه روسیه، برای اروپاییان غیرقابل قبول است چون یکی از دلایلی که اروپایی‌ها به نابوکو رو آورده‌اند این است که نمی‌خواهد تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد روسیه بگذارد. از راه ایران هم چون فشارهای سیاسی، تحریم و... است درحال حاضر شاید امکان‌پذیر و اقتصادی نیست که لوله‌ای را با ۴-۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و از ایران عبور دهد و به نابوکو برسانند. تنها راهکاری که قابل اجراء است این است که ترکمنستان گاز خود را به ما بفروشد و ما هم گازمان را به نابوکو بفروشیم البته این می‌تواند در قالبی سه‌جانبه باشد.

اگر ترکمنستان آن میزان ذخایری را که ادعا می‌کند داشته باشد، پتانسیل بسیار بالایی در اختیار این کشور است و برای این پتانسیل بسیار بالا حتماً می‌تواند تعامل با چین را بیشتر کند و خط لوله دیگری به چین برساند. همچنین می‌تواند با ایران و روسیه تعامل خود را افزایش دهد. بیشتر فروشنده گاز باشد تا ایران. چون این کشور مصرف داخلی بسیار کمتری دارد و ترکمنستان به‌نظر می‌رسد که ذخایر گاز آن بیشتر در خشکی است.

در هر حال اگر ترکمن‌ها گاز خود را به مناطق شمالی ایران بدهند و ما هم این گاز را در اختیار نابوکو قرار دهیم عملاً بازی برد بردی انجام می‌شود که هم ترکمنستان به نابوکو دسترسی پیدا می‌کند، هم ایران به سودی دست می‌یابد و هم کشورهای عضو نابوکو صاحب گاز می‌شوند این تنها راهی است که درحال حاضر موجود است و امکان کار روی آن وجود دارد.

همکاری با چین برای قزاقستان نیز واجد مزایای بسیار است. این کشور با توسعه صنایع گاز خود در مناطق جنوبی می‌تواند نیاز داخلی به‌ویژه در مناطق جنوبی را که



هم‌اکنون از منابع گازی ازبکستان تغذیه می‌شوند، پاسخ گوید، تأسیسات فرسوده نفت و گاز خود را ترمیم کرده و به احداث تأسیسات و پالایشگاه‌های جدید نیز اقدام کند. علاوه‌بر این کشورهای آسیای مرکزی از بحران سراسری مالی رنج می‌کشند، به‌خصوص کشور پیشرفته‌ای مثل قزاقستان که در طی فقط یک ماه در دو نوبت، یک نوبت پنج میلیارد دلار و نوبت دوم ده میلیارد دلار برای نجات بانک‌های خود با کمک‌های خارجی اختصاص دادند. از طرفی روسیه متحد سنتی این کشور قادر به کمک مالی به قزاقستان نبود و این کشور لاجرم به همسایه دیگر خود، یعنی چین روی آورد.^۱

چین با تبدیل شدن به دومین بازار مصرف نفت خام جهان در چند سال گذشته تلاشی گسترده را برای دستیابی به منابع نفت و گاز آسیای مرکزی آغاز کرده است. آسیای مرکزی در سال‌های اخیر به صحنه رقابت تنگاتنگ مسکو از یک‌سو و پکن از دیگر سو تبدیل شده است چینی‌ها در این ناحیه استراتژیک برای کسب منابع جدید انرژی و فروش کالا و خدمات ارزان خود در تلاشند و روس‌ها برای حفظ نفوذ سنتی خود و عقب راندن این میهمان تازه‌وارد می‌کوشند.

1. Bruce Pannier «New Turkmen-China Pipeline Breaks Russia's Hold Over Central Asian Gas. http://www.rferl.org/content/TurkmenistanChina_Gas_Pipeline_To_Open/1903108.html

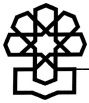


۳. تأثیر توافقات چین، ترکمنستان و قزاقستان بر موقعیت بازیگران منطقه‌ای

با توجه به رشد فزاینده اقتصاد جهانی و وابستگی متقابل روزافزون دولت‌ها به یکدیگر، همچنان مؤلفه‌های اقتصادی قدرت و امنیت نقش مهمی را در جایگاه دولت‌ها در نظام بین‌الملل ایفا می‌کند. به همین دلیل، در حال حاضر یکی از اهداف بسیار مهم قدرت‌های بزرگ دستیابی و تسلط بر منابع انرژی است که محرک اصلی چرخ‌های اقتصادی آنان به‌شمار می‌رود.

همان‌طور که اشاره شد چین برخی از شرکت‌های بزرگ نفت و گاز قزاقستان را خریداری و در صنعت گاز ترکمنستان نیز سرمایه‌گذاری کرده است نفوذ این کشور در قیاس با دیگر رقبای منطقه‌ای، مثل ایران و روسیه، در آسیای مرکزی بیشتر شده است از این طریق چین امتیاز سرمایه‌گذاری را از ایرانی‌ها گرفت، نمونه بارز آن در ماه گذشته چین با سرمایه‌گذاری سه میلیارد دلاری توانست انحصار توسعه گازی (یول‌آتان جنوبی) در ترکمنستان را که در دست ایرانی‌ها بود به‌دست آورد و سرمایه‌گذاری هنگفت چین شانس برای شرکت‌های دولتی و خصوصی ایران در این منطقه نگذاشت. چنانچه کشور ما نتواند از خط لوله یا سرمایه‌گذاری در منطقه محروم بماند به‌شدت موقعیت ژئوپلیتیک کشور را به‌خطر خواهد انداخت و در بلندمدت می‌تواند نقش تأثیرگذاری ایران را در معادلات انرژی و اقتصادی منطقه و جهان کاهش دهد.^۱ در نتیجه آسیب‌پذیری، تأثیرپذیری و نه تأثیرگذاری آن از روند

۱. چینی‌ها ایران را در معادلات گازی شکست دادند، ۲ نوامبر ۲۰۰۹.



معادلات جهانی تقویت خواهد شد. از طرفی خط لوله دوم ترکمنستان به ایران، این خط لوله شانس ایران را برای ترانزیت گاز ترکمنستان بیشتر می‌کند. این موضوع سبب می‌شود که انزوای ایران در بخش گاز غیرممکن شود. خط لوله ترکمنستان به چین و ایران یکی از بزرگترین پروژه‌های انرژی پس از فروپاشی شوروی به‌حساب می‌آید. این خطوط گازی انحصار و تسلط روسیه را به انرژی منطقه کاهش داده و شانس جدیدی برای تنوع راه‌های انتقال گاز منطقه به‌وجود آورده است. از سوی دیگر چین به‌خوبی می‌داند که با سرمایه‌گذاری اقتصادی در منطقه نه تنها می‌تواند در امنیت آن تأثیرگذار باشد بلکه می‌تواند روابط سیاسی - اقتصادی خود را به مناطق اطراف نیز گسترش دهد. یکی از این مناطق دریای خزر است با توجه به مسائل هسته‌ای و سیاسی ایران در نظام بین‌الملل، چین با نفوذ به این منطقه می‌تواند قدرت چانه‌زنی خود را در نظام بین‌الملل افزایش دهد. از این‌رو چین اگرچه به اقتصاد اهمیت فراوان می‌دهد، اما استراتژی و هدف اولیه‌اش بازیگری بین‌المللی است. بنابراین از هر ابزاری در این زمینه استفاده می‌کند تا برتری ژئوپلیتیکی را بدست آورد. همچنین طرح انتقال گاز آسیای مرکزی به چین، نقش ژئوپلیتیکی منطقه را تغییر داده و امکانات تازه‌ای را برای صادرات انرژی فراهم خواهد کرد. از طرفی خط لوله انتقال گاز آسیای مرکزی به چین اولین خط لوله انتقال انرژی از این منطقه است که خارج از قلمرو روسیه احداث می‌شود. بدون تردید این رویداد به‌معنی سرآغازی بر پایان انحصار مسکو بر منابع انرژی آسیای مرکزی خواهد بود. از این‌رو مقامات منطقه‌ای از آن به‌عنوان «معامله قرن» یاد می‌کنند. واقعیت این است که چین به‌عنوان رقیب جدی روسیه به بازار انرژی آسیای مرکزی وارد شده است و اکنون شرکت گاز پروم



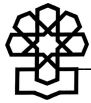
روسیه نمی‌تواند خواسته‌های خود را به کشورهای این منطقه تحمیل کند.

علاوه بر این، چین به دلیل ذخایر انرژی موجود، توانایی آن را دارد که تمام گاز مورد نیاز خود را از ذخایر داخلی تأمین کند این شرایط به دلیل رشد بالای اقتصادی چین مدت طولانی دوام نخواهد آورد و به همین دلیل افزایش عطش چین به انرژی می‌تواند تعادل بازار انرژی جهان را به شدت تغییر دهد؛ شرایطی که چین در سال‌های گذشته در بازار انرژی جهان ایجاد کرد و موجب افزایش شدید قیمت نفت خام شد. به نظر می‌رسد چینی‌ها با دو هدف کوتاه مدت و راهبردی درصدد توسعه نفوذ در آسیای میانه هستند؛ از یکسو با توسعه دیپلماسی خط لوله‌ها درصدد همگرایی نواحی حاشیه‌ای و بحران خیز چین هستند و از دیگر سو قصد دارند تا با نفوذ در این منطقه استراتژیک نیاز اقتصاد رو به رشد خود به انرژی را در آینده تضمین کنند و با ایجاد فرمول توسعه اقتصادی در قالب منطقه‌گرایی، کشورهای این منطقه را در مدار اقتصاد خویش قرار دهند و از نفوذ قدیمی مسکو و تلاش آمریکا برای حضور در کنار مرزهای خود بکاهند.^۱

این سیاست چین برای کشورهای منطقه دارای مزیت‌های بی‌شماری بوده، زیرا سبب شده تا کشورهایمانند ترکمنستان و قزاقستان از منظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک دارای ارزش دوچندان شوند و با ایجاد فضای رقابتی بتوانند منابع انرژی خود را با قیمت‌های مناسب به‌فروش برسانند^۲ در همین حال علاقه چین به انرژی در این منطقه می‌تواند به عامل مهمی در افزایش ثبات سیاسی و امنیت منطقه‌ای

۱. Chinese, Turkmen, Kazakh, Uzbek Presidents Unveil Gas Pipeline http://news.xinhuanet.com/english/2009-12/14/content_12645369.htm

۲. محمد آذری، آسیای مرکزی و راهبرد انرژی چین، ۱۳۸۸،



آسیای مرکزی، همراه با مناطق بحران‌خیز استان سین کیانگ منجر شود.

علاوه بر این درحال حاضر روسیه و چین رقابت کمی درخصوص گاز تولیدی ترکمنستان دارند. زیرا روسیه درحال حاضر به گاز ترکمنستان نیازی ندارد. نیاز پایین اروپا صادرات گاز روسیه را کم کرده و بنابراین نیاز به واردات گاز از ترکمنستان کاهش یافته است. در ضمن میزان مصرف گاز چین درحال حاضر درصد کمی از مجموع انرژی مصرفی چین است و برای چین درحال حاضر آسیب‌پذیری و بحرانی نمی‌باشد اما در چند سال آینده وقتی نیاز اروپا افزایش یابد روسیه به‌دنبال واردات بیشتر از ترکمنستان خواهد بود و با چین به رقابت خواهد پرداخت. بنابراین اگرچه درحال حاضر خط لوله گاز طبیعی آسیای مرکزی یک نقطه سنتر بین مسکو و پکن نیست اما در آینده می‌تواند نقطه رقابت و مبارزه آنها باشد.^۱ همچنین روسیه باید از همکاری فزاینده قزاقستان با چین نگران باشد. براساس بررسی‌های انجام شده چین در آینده نزدیک به رقیب جدی روسیه در آسیای مرکزی تبدیل خواهد شد نه آمریکا و اتحادیه اروپا.^۲

علاوه بر این خود کشورهای آسیای مرکزی نیز طی دو دهه به درک این واقعیت رسیده‌اند که باید توازن در روابط خویش با قدرت‌های بازیگر را حفظ کنند. از این‌رو به‌نفع آنان است که تمامی قدرت‌های بازیگر در آسیای مرکزی حضور داشته باشند. بنابراین ملاحظات جمهوری‌های آسیای مرکزی می‌توانند با ادامه سیاست منطقی و چندجانبه‌گرایانه از روسیه و چین امتیاز بگیرند.

از طرفی سناریوی دیگری نسبت به راه‌های ترانزیت زمینی نفت و گاز از ایران و

1. China: A Strategic Pipeline to Central Asia: http://www.stratfor.com/?utm_source=General_Analysis&utm_campaign=none&utm_medium=email

2. Ibid.

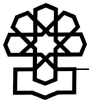


ترکمنستان به چین مشاهده می‌شود. کوتاه‌ترین مسیر پاکستانی که میلیاردها دلار در آن سرمایه‌گذاری شده است، به بهانه جنگ با طالبان به وسیله نیروهای مسلح آمریکا مسدود شده است. اگر ناوهای هواپیمابر آمریکا مسیرهای دریایی انتقال منابع به چین را مسدود کنند، جمهوری‌های آسیای مرکزی به محل اساسی ترانزیت نفت و گاز از ایران و حوزه دریای خزر به چین تبدیل خواهند شد. معلوم است که در این شرایط کشورهای آسیای مرکزی که قصد دارند از پرداخت‌های بلندمدت ترانزیتی سود مستمری بگیرند، ممکن است به زودی به محل فعالیت گروه‌های تخریبی تبدیل شوند که از محافل جدایی‌طلب و افراطی محلی کمک می‌گیرند. ترکیب پیچیده قومی و مذهبی جمهوری‌های آسیای مرکزی و به خصوص دره فرغانه و نیز روحیه پایدار ضدچینی جمعیت ترکی‌زبان این منطقه، دامنه فعالیت تخریبی علیه مسیرهای انتقال مواد خام به چین را گسترش خواهد داد. در این شرایط سرویس‌های ویژه غرب می‌توانند برای ترکمنستان انتخاب از سه مسیر صدور گاز (به چین، به گازپروم روسی و به غرب) را فراهم کنند و بدین وسیله اصل کلاسیک استعماری «تفرقه بیانداز و حکومت‌کن» را پیاده می‌کنند.^۱ همین رو است که سازمان همکاری شانگهای و سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی به‌عنوان ابزار سیاسی بین‌المللی حفاظت از پشت جبهه ژئوپلیتیکی چین معنی وجودی پیدا می‌کنند. وضعیت عجیبی ایجاد می‌شود که چین نیرومند اصولاً نمی‌تواند بدون کمک روسیه ضعیف پشت جبهه راهبردی خود را تأمین کند و به همین علت مجبور است روسیه را بیش‌ازپیش به امور کشورهای آسیای مرکزی بکشد.^۲

۱. آندری دویاتوف، «موانع بر سر راه ترانزیت»، هفته‌نامه «ژافترا»، ۱۰ فوریه ۲۰۱۰.

http://russiannews.ru/pers2/iran_news.php?act=news_by_id&n=1&news_id=26686

۲. همان.



ولی اقدامات حفاظتی در مسیرهای ترانزیتی برای دفع ضربه نیروهای پنهانی جهانی که «تروریسم بین‌المللی» را اداره می‌کنند، کفایت نمی‌کند. باید به یک راه‌حل مؤثر و نامتقارن مسئله امنیت راه‌های ترانزیتی دست زد. این راه‌حل، واگذاری حفاظت از مسیرهای ترانزیتی به تروریست‌های بالقوه است. این کار برای چین به‌علت سابقه تیره تاریخی ساده نخواهد بود ولی روسیه که از تجربه مثبت آرام کردن چین و احساسات برادرانه با اقوام ترکی‌زبان آسیای مرکزی برخوردار است، می‌تواند در چارچوب سازمان همکاری شانگهای و پیمان امنیت دسته‌جمعی عهده‌دار عملیات سیستمی ویژه حفاظت از پشت جبهه چین شود که این عملیات باید عمدتاً به‌صورت صلح‌آمیز اجرا شوند.

معلوم است که اجرای این عملیات مستلزم ارتقای سطح روابط بین روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی از حسن همجواری مبتنی بر اعتماد سیاسی و تعامل راهبردی به روابط صمیمیت و همیاری تمدن‌های برادر در برابر دشمن مشترک است. ولی درحال حاضر اعضای سازمان همکاری شانگهای و سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی برای این امر آمادگی ندارند.

ازسوی دیگر سرزمین ایران، ترکمنستان و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در شرایط جنگ احتمالی در آینده بر سر ترانزیت، از یک‌سو به هدف فعالیت تخریبی مخالفان چین تبدیل می‌شود و ازسوی دیگر می‌تواند به پشت جبهه راهبردی چین تبدیل شود.



خط لوله گاز در آسیای مرکزی



نتیجه‌گیری

سیاست چین در آسیای میانه و قفقاز مبتنی بر رویکردی استراتژیک در چارچوب استراتژی کلان آن در سیاست بین‌الملل شکل گرفته است براین اساس حوزه نفوذ چین تنها به این منطقه محدود نبوده و نگرش آن به آسیای مرکزی و قفقاز براساس رویکردی جهانی ترسیم شده است. در این میان، اقتصاد و دیگر فعالیت‌های چین در منطقه عملاً تاکتیکی در چارچوب سیاست‌های کلان آن در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند. لذا چین سیاست نفوذ اقتصادی خود، آسیای میانه و قفقاز و روابط خود با قزاقستان و



روسیه را نیز با قاعده سیاست جهانی‌سازی اقتصاد تنظیم کرده است.

ازسوی دیگر باید توجه داشت که تحولات سال‌ها و ماه‌های اخیر در حوزه انرژی خزر حاکی از این واقعیت است که مرحله برتری بی‌چون و چرای روسیه در این حوزه به پایان رسیده است. در این شرایط، مسکو برای ممانعت از کاهش هرچه بیشتر موقعیت خود در حوزه خزر باید راهکارهای جدیدی را برای همکاری با کشورهای این حوزه مورد توجه قرار داده و پیشنهادهایی را مطرح کند که کشورهای ساحلی را به همکاری با مسکو علاقه‌مند سازد. بدیهی است که اتخاذ موضع‌گیری یک‌سونگرانه ازسوی روسیه نمی‌تواند سیاست کشورهای منطقه را در بخش انرژی تغییر دهد.^۱

ازسوی دیگر، سیاست کشورهای ساحلی خزر در مورد متنوع کردن بازارهای صادراتی خود مورد حمایت کشورهای غربی است به‌گونه‌ای که این کشورها، ایجاد ساختار جدید خط لوله خزر را بارها مورد تأکید قرار داده‌اند. افزون بر این، با توجه به اینکه کشورهای ساحلی خزر به دنبال تغییر معادلات سیاسی منطقه هستند زمینه تلاش آنان برای توجه به عرصه‌های جدید درخصوص صدور منابع هیدروکربنی به بازارهای خارجی و کاهش وابستگی خود در مورد انتقال منابع انرژی به روسیه شده است.

۱. سرگئی ژیلت سوف، روزنامه «فی زاوی سی مایاکازی یتا»:



1. Bruce Pannier. '\China, EU Wait In The Wings For Access To Central Asia\' 'RFERL, August 02, 2009, http://www.rferl.org/content/China_EU_Wait_In_The_Wings_For_Access_To_Central_Asia/1790745.html.
۲. اتمام ساخت خط لوله صادرات گاز ترکمنستان به چین، سایت اطلاع‌رسانی ایراس، دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۸۸، http://www.iras.ir/Default_view.asp?@=6585T.
3. Michael lelyveld. China taps central Asian gas. http://www.rfa.org/english/energy_watch/central-asian-gas-11302009120032.
4. ANDREW E. KRAMER. New Gas Pipeline from Central Asia Feeds China, <http://www.nytimes.com/2009/12/15/world/asia/15pipeline.html>.
5. BP Statistical review of world energy, 2008.
6. Bruce Pannier 'New Turkmen-China Pipeline Breaks Russia's Hold Over Central Asian Gas: http://www.rferl.org/content/TurkmenistanChina_Gas_Pipeline_To_Open/1903108.html.
7. <http://www.dw-world.de/dw/article>.
8. Chinese, Turkmen, Kazakh, Uzbek presidents unveil gas pipeline http://news.xinhuanet.com/english/2009-12/14/content_12645369.htm.
۹. محمد آذری، آسیای مرکزی و راهبرد انرژی چین، ۱۳۸۸،
10. <http://www.shana.ir/144728-fa.html>.
11. China: A Strategic Pipeline to Central Asia: http://www.stratfor.com/?utm_source=General_Analysis&utm_campaign=none&utm_medium=emai
۱۲. آندری دویاتوف، «موانع بر سر راه ترانزیت»، هفته‌نامه «زافترا»، ۱۰ فوریه ۲۰۱۰، http://russiannews.ru/pers2/iran_news.php?act=news_by_id&_n=1&news_id=26686.
۱۳. سرگئی ژیلت سوف، روزنامه «فی زاوی سی مایاگازی یتا»، <http://www.iraneurasia.ir/fa/pages/cid=9212>.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۲۲۹

عنوان گزارش: خط لوله گاز جدید چین در آسیای مرکزی و تأثیر آن بر موقعیت بازیگران منطقه‌ای

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: وجیهه مهری پرگو

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

سرپرستان: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. خط لوله

۲. امنیت انرژی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۳/۱